فهرست

[پیشگفتار 2](#_Toc184569143)

[بحث نگاه به عضو پیوندی 2](#_Toc184569144)

[مقدمه اول 2](#_Toc184569145)

[مقدمه دوم 2](#_Toc184569146)

[مقام اول: وصل 3](#_Toc184569147)

[فرع اول 3](#_Toc184569148)

[نکته اول 3](#_Toc184569149)

[نکته دوم 4](#_Toc184569150)

[وجه اول 4](#_Toc184569151)

[وجه دوم 5](#_Toc184569152)

[احتمالات در حکم نگاه به زینت ظاهری زن 6](#_Toc184569153)

**موضوع: مبحث نگاه / استثنائات از عدم جواز نظر به اجنبی**

# پیشگفتار

# بحث نگاه به عضو پیوندی

بحث در مبحث دیگری که در کلمات مطرح نبود قرار گرفت و آن عبارت بود از اعضای موصوله یا مذروعه یا مرقعه، اعضایی که به بدن دیگری و نامحرم وصل می‌شود یا اینکه پیوند زده می‌شود و به آن‌ها می‌شود نگاه نکرد یا خیر؟

طبعاً مفروض این است که فردی که این عضو به او وصل یا پیوند زده شده است نامحرم است و مقام هم مقام التذاذ بالفعل نیست، از حیث نگاه به نامحرم می‌شود به این عضو موصول یا مرقع یا پیوند زده شده نگاه کرد یا نه؟! این مسئله جدیدی است که در عروه نبود.

دیروز د ر ابتدای طرح مسئله دو مقدمه ذکر شد

# مقدمه اول

در یک مقدمه حدود ده تقسیم در اینجا مطرح شد و از مجموعه آن تقسیم‌ها بیش از بیست فرض و فرع متولد می‌شد که در هر کدام این بحث نظر طبعاً مطرح هست.

# مقدمه دوم

این مبحث در ابواب مختلف فقهی از منظرهای مختلف می‌تواند محل بحث قرار بگیرد از اینکه این ساخت این اعضا به نحو سلول بنیادی و امثال اینها جایز است، یا جایز نیست؟ قطع اینها در جایی که قطع می‌شود جایز است یا جایز نیست؟

از نظر اینکه در هر یک از این ده بیست فرض، مواردی که قطع هست، پیوند جایز است یا جایز نیست؟ دیه لازم است یا لازم نیست و تکسب به اینها و مجرا و وسیله کسب قرار دادن این قطع و وصل و پیوند جایز است یا جایز نیست؟! صحیح است یا صحیح نیست؟ و همین‌طور اینها در آنجایی که مقطوع است طاهر است یا طاهر نیست؟ و امثال اینها. این چهار مبحث فقهی است که در اینجا مطرح بود و غیر از این در ابواب دیگر باز سؤالات و پرسش‌های فقهی راجع به این فروض و فروع می‌تواند مطرح باشد. این دو مقدمه‌ای بود که دیروز عرض کردیم.

بنا مستقر نشد که بحث مبسوط و موسعی راجع به پیوند داشته باشیم و تمرکز روی بحث نظر است، برای اینکه ورود در آن وقت موسعی می‌گیرد و ما باید مجموعه مباحث روابط جنسیتی را تمام کنیم بعد از سه چهار سالی که گذشته است و وارد آن نمی‌شویم.

اینجا بعد از این دو مقدمه دو مقام از بحث را با نگاه به بحث جواز و عدم جواز نظر مطرح خواهیم کرد.

# مقام اول: وصل

مقصود این است که این عضو ساخته شده یا ایجاد شده و تولید شده یا قطع شده را می‌شود وصل کرد یا نمی‌شود وصل کرد؟ (می‌شود وصل کرد را هم نمی‌خواهیم خیلی بحث بکنیم یک نکته کلی خواهیم گفت)، عمده در مقام اول بحث این است که می‌شود به آن نگاه کرد وقتی که این به بدنی که آن شخص نامحرم است یا خیر؟

در هر یک از این صور مهم یک نگاهی خواهیم افکند ببینیم که حکم اصل وصل به صورت استطرادی چطور است؟ و حکم جواز یا عدم جواز نظر؟

## فرع اول

اولین فرع در اینجا عضو مصنوعی است، عضوی است که صناعی است، از مواد طبیعی و فیزیکی و خارجی و جماد و غیر ذوالحیاة ساخته شده است که امروز خیلی مصداق دارد؛ دست و پا، می‌سازند و اعضای مختلف به صورت صناعی آماده می‌شود به شکلی به بدن وصل می‌شود این اتصال می‌تواند یک اتصال دائمی و نسبتاً پایدار و ثابت باشد و می‌تواند یک اتصال ناپایدار و مقطعی باشد به عبارت دیگر می‌شود به‌گونه‌ای فرض کرد که سریع این پا را قرار می‌دهد و از آن استفاده می‌کند و با یک پیچ و اهرمی که وجود دارد جدا می‌کند. این یک فرض است.

در این فرع اول دو سؤال مطرح است؛

### نکته اول

اینکه این وصل جایز است یا جایز نیست؟ اینجا به نظر می‌آید که اختلافی نیست که وصل جایز است، برای اینکه هیچ یک از شبهه‌هایی که در واصله و موصوله و کذا بود اینجا نیست و اگر کسی آن لعن الله الواصل و الموصل را هم تمام بداند، مربوط به آنجایی است که عضوی را از کسی گرفته باشد، موی کسی قطع بشود از آن استفاده بشود برای بافتن این مو و امثال آن‌ها که راجع به آن صحبت کردیم و امروز یک اشاراتی خواهیم داشت. مربوط به آنجا است. اما اینکه از مواد طبیعی با صنعت خاصی، عضوی درست شده است که به اعضای اصلی بدن انسان مشابهت دارد و وصل می‌شود. برای این وصل شدن هیچ وجهی برای حرمت نیست. از این جهت اصل این است که جایز است

ممکن است کسی بگوید در آن وصل در اعضای مقطوع که اشکال داشت تنقیح مناط می‌کنیم و به این جا تسری می‌دهیم.

وجهی ندارد، حرف ضعیفی است.

ممکن است کسی بگوید این مصداق **﴿لَیُغَیِّرُنَّ خَلْقَ اللَّه﴾** است.

آن هم **﴿لَیُغَیِّرُنَّ خَلْقَ اللَّه﴾**[[1]](#footnote-1) این معنا تفسیر نشده است و یک زمانی خود ما هم بحث کردیم که اصلاً به این معانی نیست، از این قبیل شبهه‌های ضعیف می‌شود در جواز ساخت این اعضا و وصل آن‌ها افاده کرد.

این دو شبهه بود، یکی الغاء خصوصیت از عدم جواز وصل که این صغراً و کبراً ممنوع است، یک شبهه **﴿لَیُغَیِّرُنَّ خَلْقَ اللَّه﴾** است که این هم در جای خود بحث کردیم که حرمت تغییر خلقت به این دامنه و دایره که بعضی از این آیه می‌خواهند استفاده بکنند به هیچ وجه مبنا ندارد.

شبهه دیگری که ممکن است که این نوعی ساخت مجسمه و امثال اینها است که پایی را بسازد، در آنجا که یک عضو برجسته‌ای باشد مثل پا و دست و امثال اینها، آن هم در ساخت مجسمه بحث‌های آن انجام شده است و این جور چیزی مشمول آن ادله و اطلاقات حرمت تجسیم و مجسمه‌سازی نیست.

از این قبیل شبهات ضعیف می‌شود برای ساخت یا وصل یک عضو مصنوعی آورد ولی هیچ کدام اینها پایگاه و پایه اساسی فقهی ندارند. طبق قاعده یا عمومات و اطلاقات یا لااقل اصول عملیه اینجا برائت هست و وصل جایز است.

این نکته اول در فرع اعضای اصطناعی که ساخت و وصل آن مانعی ندارد، تکسب و امثال اینها هم طبعاً اشکالی ندارد.

### نکته دوم

که مربوط به بحث ما می‌شود و اصل آن این بحث مقصود است این است که این عضو که الان به بدن نامحرم متصل شد، آیا می‌شود نگاه کرد یا نمی‌شود؟ کلاه‌گیس ساخته است و روی سر گذاشته است، اصلاً مو، موی مصنوعی است، یا پوستی چسبانده روی دست، نه اینکه ترقیع و ذرع و پیوند نیست، چسبانده است که پوست بدن او نیست یا همین پا و دستی که مصنوعی است و یک نامحرمی از آن استفاده می‌کند.

### وجه اول

حکم این چیست؟ در اینجا طبعاً وجه اولی که به نظر می‌آید جا افتاده است و شاید اگر استفتائاتی هم باشد (من تازه ندیده‌ام) حتماً می‌گویند نگاه اشکالی ندارد در صورتی که التذاذ و ریبه و عناوین عامه ثانویه نباشد، این ولو وصل به یک نامحرم شده است اشکال ندارد و اطلاقات و ادله حرمت نظر به مرأه اجنبیه یا مرء اجنبی و انواع ادله‌ای که در باب حرمت نظر به غیر است یا ادله‌ای که وجوب ستر را افاده می‌کند؛ **﴿لَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ﴾**[[2]](#footnote-2) و امثال این، شامل این نمی‌شود. این وجه اول است که کسی علی الاطلاق بگوید جایز است و مشمول ادله نیست.

### وجه دوم

که ممکن است اینجا گفته شود این است که این عضو وقتی اتصال پیدا کرد و لااقل آنجا که اتصال ثابتی دارد، مثلاً این پوست را چسبانده است، پوست ساختگی مصنوعی است، ولی چسبانده است، یا پایی ساخته‌اند که ساق و ران و امثال اینها را دارد و به شکلی متصل به اوست، مطلقاً یا در مواردی ممکن است بگوییم که این درست نیست. به یکی از این وجوهی که عرض می‌کنیم.

وجه اول

این است که کسی بگوید این اتصال لااقل در مواردی موجب می‌شود آن انتسابی که می‌گفتیم درست بشود و صدق می‌کند که ادله‌ای که می‌گوید به مرأه اجنبیه نگاه نکن، یا ادله‌ای که می‌گفت آن اعضا را نبین، نگاه نکن، بر این صدق بکند، آن اطلاق با این استناد شامل این موارد هم بشود ولو اینکه عضو، عضو او نیست اولاً و بالذات ولی در این حالی که از آن استفاده می‌شود و در این وضعی که به او اتصال پیدا کرده است، عرف یک نوع اسنادی می‌دهد، یعنی ادله آن را شامل می‌شود.

وجه دوم

این است که در ستر بگوییم **﴿لَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ﴾** اینها زینت این شخص محسوب می‌شود و کلاه‌گیس گذاشته است این زینت این شخص محسوب می‌شود، **﴿لَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ﴾** بنابر آنچه تفسیر کردیم هم شامل زینت‌های ذاتی و اعضای اصلی می‌شود و هم شامل زینت‌های عارض و ثانوی می‌شود و این لااقل در مواردی زینت می‌شود.

بنابراین یا این است که می‌گوییم این عضو موصول (مقام اول اعضای موصوله است) در بدن نامحرم به یکی از این دو وجه، نظر به آن حرام است؛

۱- یا به خاطر اینکه این اتصال به خصوص در مواردی که این اتصال پایدار باشد، این موجب انتساب به این شخص می‌شود و اطلاقی که می‌گوید به نامحرم نگاه نکن، عرف می‌گوید این هم جزء اوست و آن انتساب عرفی صدق می‌کند.

۲- این است که بگوییم زینتهنّ این را می‌گیرد، این هم وجه دوم

منتهی هر دو وجه را می‌شود جواب داد، لااقل اطلاق آن مقبول نیست، یک عضوی را که از آن استفاده می‌کند و این مچ دست یا پا است و به راحتی می‌بندد و باز می‌کند، این بخصوص آنجایی که وصل و قطع آن سهل باشد، عرف انتساب و اسنادی نمی‌دهد که بگوید این منتسب به آن است، این جا استصحاب وجود ندارد که بخواهد استصحابی جاری بکند.

لذا اسناد داده نمی‌شود و در خیلی موارد زینت به آن معنا نیست از این جهت که هیچ کدام از این دو دلیل تام نیست، ولی ممکن است کسی وجه تفصیلی اینجا مطرح بکند که یک مورد به نظر قابل قبول است و آن مواردی که عضو صناعی موصول، زینت برای زن‌ها به حساب می‌آید، در زن نامحرم، کلاه‌گیس استفاده می‌کند، کلاه‌گیس خیلی قشنگ منظم و مرتب، به عنوان زینت استفاده می‌کند یا پوست مصنوعی را به روی بازوهای خود می‌زند که استفاده آن برای زینت است و **﴿لَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ﴾** را حتماً این زنیت‌های عارضی می‌گیرد گرچه زینت‌های ذاتی طبیعی هم طبق آنچه در روایات آمده است مشمول آیه است.

بنابراین مواردی واقعاً زینت به حساب می‌آید، همین عضو صناعی، این امر خارجی که وصل شده است و چسبانده شده است، با پیچ و مهره به بدن نامحرم وصل شده است، در مواردی زینت به حساب می‌آید و لذا از قبل استفتائی شده بود که کلاه‌گیس گذشته است، غالباً گفتند اشکالی ندارد.

بنابراین در اینکه بگوییم مطلقاً آن عضوی که موصوله است، وصل جایز است و بحثی نیست می‌شود اظهار کرد، ممکن است مواردی مشمول **﴿لَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ﴾** باشد.

اگر آن زینتی باشد که مشمول **﴿لَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ﴾** است، مطلق زینت آنجا نیست، نوعی از زینت‌های عادی و طبیعی خارج از لا یبدین است به خاطر دلیل خاص یا به خاطر انصراف. آن زینتی که داخل در **﴿لَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ﴾** است، گاهی ممکن است عضو موصول و اصطناعی از این قبیل باشد، بر او صدق بکند همان معنایی که می‌گوییم باید اخفاء و ستر کرد و نباید ابداء کرد.

به نظر می‌آید در ابداء و ستر، مطلقاً نمی‌شود گفت که ابداء اعضای اصطناعی موصول جایز است، مواردی ولو حالا کم هم باشد مشمول حرمت ابداء و وجوب ستر می‌شود و آن جایی است که زینت به شمار بیاید.

این یک احتمال است که در وصل شعر یا وصل اعضا بگوییم جایی که زینت به شمار می‌آید، اشکال دارد و مشمول لَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ است.

# احتمالات در حکم نگاه به زینت ظاهری زن

در مورد نگاه هم باید یک وقتی بحث بکنیم که در نگاه به زینت ظاهری زن، چند احتمال وجود دارد؛

۱- این است که نگاه به زینت او علی الاطلاق نمی‌شود کرد، چه در دست او باشد و چه نباشد کسی به این قائل نیست.

۲- اینکه نگاه به آن زینت نمی‌شود کرد در حالی که وصل به دست یا پا یا سینه و امثال اینها است. به خود زینت نمی‌شود نگاه کرد، این موضوعیت دارد.

۳- این است که موضع الزینه است.

بعید ندانستیم که نگاه به زینت حتی اگر به موضع آن نگاه نشود حتی اگر زینت بالفعل است اشکال داشته باشد، این را بعید ندانستیم.

ما در لَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ بعید نمی‌دانیم که میان این اقوال آن قول را می‌پذیریم. اقوال این است

۱- نگاه به زینت، آن که زینة المرئه هست، علی ایّ حال حرام است، کناری گذاشته باشد، روی چادر باشد، یا روی موضع باشد. این احتمال حداکثری است که درست نیست.

۲- احتمال اقلی این است که نگاه به زینت بما هی هی، حرام نیست، بلکه به خاطر ملازمه آن با نگاه به موضع است، این اقلی است.

۳- ما میانه اینها که چند فرض است یک فرض را قبول داریم و آن این است که آنجایی که زینت بر موضع محرم نظر باشد، مثلاً این قدر متیقن است که اشکال دارد و ادله از آن منصرف نیست، روی این فرض بحث می‌کنیم.

روی این فرض دو گناه می‌کند، اگر با موضع همراه است، مثلاً یک النگو یا گردنبندی است که مشبک است، دو گناه می‌کند این را بعید ندانستیم.

بنابراین ممکن است کسی احتمال تفصیل مطرح بکند (اصل همان جواز است، این عضو مسند نیست) در مواردی ستر لازم است و نگاه حرام است به این ترتیبی که گفته شد.

وجه دیگر این است که تعلیل اسناد و انتصاب است که این قدری سخت‌تر است.

جاهایی که موصول است و به سادگی نمی‌شود قطع بشود و عضو هم یک عضو مهم و بزرگ و برجسته‌ای است، ممکن است کسی بگوید اسناد هم درست می‌شود این را ما مطمئن نیستیم.

پای وصل شده که ثابت هم هست، اگر کسی نگاه می‌کند می‌گویند به او نگاه می‌کند این منتهی ابتدایی است اگر دقت بکنیم این را نمی‌پذیرد.

احتمال اینکه آن دلیل که می‌گوید نگاه به شعور نکن و به اعضا نگاه نکن، هر چه که به آن استناد بکند، یعنی آن استناد را باید اعم بگیریم.

ممکن است عناوین ثانویه پیدا بشود ولی هیچ کدام از آن عناوین ثانویه دائمی نیست که بگوییم نگاه به این پایی که برای این زن نامحرم ساخته شده است، بگوییم نگاه به آن هتک به اوست.

1. - سوره نساء، آیه ۱۱۹ [↑](#footnote-ref-1)
2. - سوره نور، آیه ۳۱ [↑](#footnote-ref-2)